

پاک‌پاشا → مسعود ملک‌پور

احمدشاه قاجار و قرارداد ۱۹۱۹

قرارداد ۳۰ هزار لیبره‌ای ۱۹۱۹ که به قرارداد فروش ایران به انگلستان معروف است توسط دولتمردان خائن احمدشاه آقایان نصرت‌الله، صارم‌الدوله و وثوق‌الدوله امضا شد. آنها نه‌تنها سهم خود را گرفتند بلکه حتی خود احمدشاه قاجار هم مقرر۱ ماهیانه ۱۵ هزار تومانی و تضمین سلطنت خود را از انگلیسیان خواست. پرونده احمدشاه پر است از خساست و لثامت و حتی احتکار گندم. او آنقدر حقیر بود که حتی برای مسافرت به خارج از انگلیس اجازه می‌گرفت و از آنان مقرر۱ دریافت می‌کرد. قرارداد ننگین ۱۹۱۹ را هم به رغم تحریف تاریخ توسط اعوان و انصار قاجارها تایید کرد. از انبوه اسناد و مدارک به چند تا بسنده می‌شود.

تایید قرارداد ۱۹۱۹

احمدشاه در میهمانی شام لرد کرزن وزیر امور خارجه انگلستان به صراحت قرارداد ۱۹۱۹ را تایید می‌کند و نوشیدنی خود را به سلامتی لرد کرزن و خانم ایشان می‌نوشد. (قضاوت تاریخ، ص ۲۷۹)

رشوه‌خواری احمدشاه

مستشارالدوله صادق وزیر کشور احمدشاه درباره رشوه‌خواری احمدشاه داستان‌های عجیب و غریبی می‌گوید که حتی به جد مادری خود کامران میرزا که برای حکومت خراسان در نظر گرفته رحم نمی‌کند و حتی شاه مملکت برای فروش یک خروار گندم با رعایای خود چانه می‌زند. (تاریخ انقلاب مشروطیت، مهدی ملکزاده، ج ۷، ص ۴۰۴)

ذاتت احمدشاه

در زمان قحطی و در حالی که انبارهای احمدشاه پر از گندم بود با تقاضای مستوفی و ارباب کیخسرو مبنی بر فروش گندم‌ها به مردم مخالفت کرد و پول بیشتری می‌خواست. (قضاوت تاریخ، ص ۳۳۱)

دزدی احمدشاه

احمدشاه در دزدی‌هایی که توسط فرمانده قزاقان «استاروسلسکی» انجام می‌گرفت شریک بود. (رضاشاه از تولد تا سلطنت، ص ۳۶۵)

سند دوم تایید قرارداد توسط احمدشاه

سعادتمندم از اینکه با استفاده از این فرصت می‌توانم به عالیجناب بگویم چقدر از بسته شدن قرارداد اخیر ایران و انگلستان احساس مسرت می‌کنم. (رضاشاه از تولد تا سلطنت، ص ۲۸۸)

اضافه می‌کنم احمدشاه کاملاً در جریان قرارداد بوده کمالینکه این قرارداد بدون اینکه به تصویب مجلس برسد در حال اجرا شدن بود که آرمیتاز اسمیت و ژنرال دیکسن به ایران آمدند و حتی سپهدار دشتی وزیر جنگ میهمانی مفصلی برای آن داده و کار مالیه بدون دردسر انجام و تحویل تحول می‌شود. آنها کلیه درآمدهای ایران را به بانک شاهی واریز و ماهی ۲۵۰ هزار تومان علی‌الحساب به دولت می‌دهند. در مورد ارتش ملکشاعرای بهار در کتاب احزاب سیاسی ایران می‌نویسد: صاحب‌منصبان انگلیسی تصمیم داشتند افسران ایرانی از درجه نایب اولی به بالا نروند و همین موجب می‌شود افسری باشریف به نام کلنل فضل‌الله خان اق‌اولی دست به خودکشی بزند.

باز هم اضافه می‌کنم که احمدشاه از تحویل تحول مالیه کشور و ژاندارمری مطلع بود ولی صدایش درمی‌آمد و چون افسران انگلیسی‌س برای متحدالشکل کردن نیروهای نظامی موجود به قزاقخانه می‌رسند احمدشاه نگذاشت قزاقخانه تعطیل شود و از خارج از کشور امر فرمودند «مساله قزاقخانه تا مراجعت من مسکوت بماند»

احمدشاه در کجای تاریخ حرکتی در مخالفت با قـرارداد کرده؟ و اگر هم مخالفتی کرده ریشه مالی داشته است. ملکشاعرای بهار می‌نویسد: احمدشاه چندی بود که در امور مملکتی خاصه در عزل و نصب حکام ایالات مداخله می‌کرد و فوایدی می‌برد. این پادشاه همان احمدشاهی است که می‌گویند پادشاه مشروطه بود. او اضافه می‌کند احمدشاه مخالفان را به دربار احضار می‌کند و آنها را علیه وثوق‌الدوله که در ماجرای عزل قوام از حکومت خراسان با او اختلاف نظر پیدا می‌کند، می‌شوRAND و نیز گفته شد که برای امضای قرارداد حق‌الزحمه می‌خواهد و صریح می‌گوید شما پول گرفته‌اید و امضا کرده‌اید من که پول نگرفتم‌ام چرا امضا کنم.

آخرین سند و مدرک از صدها مدرک رسوایی احمدشاه را از زبان احتشام‌السلطنه می‌شنویم. او می‌گوید نقش احمدشاه در انعقاد این قرارداد ننگین نه‌تنها از عقادین معروف آن کمتر نیست بلکه بیشتر است. احمدشاه در سال ۱۳۲۶ هجری قمری مصمام‌السلطنه بختیاری را از ریاست دولت معزول و وثوق‌الدوله را مامور تشکیل کابینه کرد تا راه عقد قرارداد را هموار کند. احمدشاه نیز هنگام قرارداد مانند سایرین یعنی وثوق‌الدوله و وزرای خارجه و مالیه وی ۲۰۰ هزار لیره از وزیر مختار انگلستان دریافت کرد و به علاوه امان‌نامه گرفت و همچنین مقرر شد شاه به اتفاق همراهان به مدت شش ماه به هزینه انگلیس باقی امالک اروپایی بدریاری شود و نیز انگلستان تعهد کرد تا زمانی که قرارداد باقی است حقوق ماهیانه‌ای به وی پرداخت شود.(از خاطرات میرزا محمودخان احتشام‌السلطنه رئیس دوره دوم مجلس شورای ملی)



شما و تاریخ

ما تاریخی کهن داریم و به درازای آن از رنج‌ها و گنج‌های بیشتری نسبت به سایر ملت‌ها برخوردار شده‌ایم. گنجینه آثار باستانی ما سرمایه ملی غیرقابل تکرار و غیرقابل تولیدی است که در جای‌جای این سرزمین کهن به چشم می‌خورد، درحالی‌که چندان قدر آن ندانیم و از فرط وفور به چشم‌مان نیاید.

از سوی دیگر گذشته پرماجرای ما مشحون از تجربیاتی است که خود چراغی برای ساخت آینده است، اما در این زمینه هم ما نیازمند تلاش بیشتری هستیم. مرور گذشته‌ها و رنج‌هایی که پدران ما کشیدند بی‌تردید می‌تواند ما را در حل مشکلات جاری و آینده یاری رساند.

از این رو صفحه تاریخ گرچه مربوط به گذشته است اما بی‌مناسبت با امروز فردا نیست. ما در سلسله ملی نیازمند بازنگری و بازبینی گذشته‌ای هستیم که بزر پایه آن باید بناهای تازه را بنیاد نهیم. از این رو صفحه تاریخ به روی همه هموطنان گشوده است تا از تجارب و مطالعات و پژوهش‌های تاریخی شما بهره‌مند شود. طبیعی است نسبت به گذشته نیز نظرگاه‌های متفاوت و گاه متضادی وجود داشته باشد و بی‌گمان در آن زمینه امکان گفت‌وگو و تبادل نظر بیشتر از سایر مسائل فراهم است.
مطالب خود را می‌توانید به این ای‌میل ارسال کنید: safhetarikh@gmail.com
منظر نظرات و انتقادات و آثار مستند شما هستیم.

تاریخ

تاریخ کره

از جنگ ۱۹۴۵ تا گلوله‌باران جزیره یونگ‌پیونگ

◄ **سیروس غفاریان**

سرمزینی که زمانی به «چوزن» به معنی صبح آرام نامیده می‌شد بعد از پایان جنگ جهانی دوم در ۱۹۵۰ شاهد اولین جنگ منطقه‌ای بود که قدرت‌های بزرگ در آتش‌افروزی آن دخالت داشتند که در تاریخ قرن بیستم به اولین بحران جنگ سرد در شرق آسیا معروف شد. به انگیزه این رویداد پس از بررسی مختصر از تاریخ باستانی شبه‌جزیره کره و شناخت وضعیت جغرافیایی و «ژئوپولتیک» این منطقه به اصل موضوع یعنی بحران دو کره می‌پردازیم.

تاریخ باستانی کره شاهد تعامل فرهنگی بین ژاپن و چین از راه شبه‌جزیره کره است. جواهر لعل نهرو نخست‌وزیر فقید هند در نگاهی به تاریخ جهان می‌نویسد: در ۱۱۲۲ قبل از میلاد یک مهاجرت عظیم به رهبری «کی‌تسه» از راه شبه‌جزیره کره به ژاپن روی داد. در قرن دوم میلادی وقتی ملکه «جینگگو» زمامدار ژاپن بود کره به وسیله ژاپنی‌ها اشغال شد و در ۲۸۴ میلادی خردمندی از کره وزیر مشاور امپراتور ژاپن شد. در ۶۰۰میلادی (قرن هفتم) به بعد به وسیله مهاجران چینی و کره‌ای به تدریج اصول مذهبی بودایی وارد ژاپن شد و شخصی به نام «شوگو تایشی» به عنوان بزرگ‌ترین راهب بودایی در ترویج این مذهب در ژاپن کوشش کرد. شبه‌جزیره کره قرن‌ها صاحب یک امپراتوری مستقل بود تا آنکه در ۱۵۹۲ میلادی ژاپنی‌ها به کره حمله برده و سعی داشتند این سرزمین را جزئی از خاک خود کنند. در این میان چینی‌ها نیز قصد تصرف کره را داشتند. دولت چین در ۱۸۹۴ بدون جلب رضایت ژاپن به کره حمله برد اما نیروی دریایی ژاپن جزیره فرمز را گرفت و به یکن حمله برد. دولت چین مجبور شد در یکی از بنادر ژاپنی به نام «شی مونوزکی» قرارداد ننگینی را به امضا برساند که طبق آن جزیره تایوان (فرمز) را با مبلغ زیادی غرامت ب‌داده.

(۱۷ آوریل ۱۸۹۵) روسیه که به تازگی وارد شرق آسیا شده بود قوای نظامی زیادی به منچوری واقع در خاک چین فرستاد تا جلوی توسعه‌طلبی ژاپن را بگیرد. دولت ژاپن در فوریه ۱۹۰۴ ضمن دادن اولتیماتوم به روسیه از آن دولت خواست قوای خود را از منچوری خارج کند زیرا خاک منچوری معادن زیادی از زغال‌سنگ را در درون خود داشت که ژاپن صنعتی محتاج آن بود. از آنجایی که نیکلای دوم امپراتور روسیه از خارج کردن نیروهای خود از منچوری خودداری کرد امپراتور ژاپن «هوتوسو هیتو» به دریاسالار «توگو» جنگ‌سالار ژاپنی دستور داد نیروهای روس را به سرعت از منچوری اخراج کند. این دریاسالار ژاپنی توانست ۲۶ رزمناو بزرگ روسیه را در تنگه «توشوشیما» غرق کند. دولت روسیه از روی ناچاری درخواست صلح کرد و طبق قرارداد صلح «پورتسموث» از بنادر انگلستان که در پنجم سپتامبر ۱۹۰۵ به امضا رسید بمبی از جزیره «ساختلین» به ژاپن تعلق گرفت و علاوه بر آن روسیه بخشی از خط‌ان اروپا به بندر «ولادی وستک» را که از خاک منچوری می‌گذشت به ژاپن فروخت. روسیه بر اثر کشته شدن ژنرال «کوروزاتکین» و ۴۰ هزار سرباز روسی و اسارت عده زیادی از نقرات ارتش روس راضی به انعقاد قرارداد پورتسموث شد. شکست روسیه از ژاپن در ۱۹۰۵، ژاپن را به صورت یکی از قدرت‌های بزرگ جهانی در منطقه آسیا- پاسیفیک درآورد زیرا طبق قرارداد پورتسموث همه شبه‌جزیره کره به صورت تحت‌الحمایه ژاپن درآمد و ژاپنی‌ها تا سال ۱۹۱۰ تمام این شبه‌جزیره را اشغال کردند و در آن پایگاه‌های نظامی احداث کردند و حتی از منابع آن سود می‌بردند.

شناخت وضعیت جغرافیایی و ژئوپولتیک شبه‌جزیره کره

شبه‌جزیره کره ۲۲۲۵۲۴ کیلومتر مربع وسعت دارد. از این مساحت، کره جنوبی دربردارنده ۹۹۶۶۶ کیلومتر مربع وسعت است و کره شمالی ۱۲۲۷۶۲ کیلومتر مربع وسعت دارد. جمعیت کره جنوبی ۴۸/۵ میلیون و جمعیت کره شمالی ۲۴ میلیون نفر است. چیزی که خیلی مهم است آنکه طبق آمار سال ۲۰۰۰ کره جنوبی دارای درآمد ناخالصی ۸۶۰۰ دلار و کره شمالی دارای سرانه تولید ناخالصی ۷۲۰ دلار است. این دو کشور از ۱۹۴۸ با دخالت ابرقدرت‌های شرق و غرب از مدار ۳۸ درجه عرض شمالی جدا شده‌اند و در این ۶۲ سال کره جنوبی در ردیف ۲۰ کشور صنعتی و ثروتمند جهان است و کره شمالی کشور فقیری است ولی صاحب یک ارتش یک میلیونی و مسلح به سلاح اتمی است. این شبه‌جزیره از شرق به ژاپن و از غرب به دریای زرد و از شمال به بخشی از خاک چین و دریای ژاپن محدود می‌شود.

◄ **موقعیت استراتژیک و ژئوپولتیک کره**

کره دارای موقعیت جغرافیایی نامناسبی است. همسایه‌های بزرگ‌تر این کشور نسبتاً کوچک هموار برای این کشور دربرسپاری ایجاد کرده‌اند. «پنجپار تامن» در کتاب جغرافیای عمومی جهان درباره شبه‌جزیره کره می‌نویسد: «کره با کشورهای نیرومندی همسایه است که آن را احاطه کرده‌اند و در طول تاریخ هرچند گاه این شبه‌جزیره را اشغال می‌کرده‌اند. کره در مسیر رودخانه «یالو» و «تومن» دارای مرز زمینی مشترک با چین است و در منطقه «توشوشیما» که در مقابل ژاپن قرار گرفته است، منطقه حساسی با ژاپن محسوب می‌شود. در منتهی‌الیه شمال شرقی خود، مرز کوتاهی با اتحاد شوروی سابق (فدراسیون روسیه فعلی) دارد.» بعد از شکست روسیه از ژاپن در ۱۹۰۵ و تبدیل این کشور به یک قدرت نظامی، زمینه برای تشکیل یک دولت آسیایی نیرومند فراهم شد و در ۱۹۱۰ ژاپن رسماً شبه‌جزیره کره را به کشور خود ملحق ساخت. شبه‌جزیره کره فرا در حکم پلی بین

سال پنجم ■ شماره ۱۱۲۸ ■ یکشنبه ۱۴ آذر ۱۳۸۹

سبیری واقع شده و پایگاه مهم دریایی و هوایی روس‌هاست، تصرف تمام شبه‌جزیره کره از طرف کمونیست‌ها، سبب بسته شدن دریای ژاپن و به دست آوردن پایگاه‌های هوایی و دریایی غیرمنجمد می‌شود که عملیات نظامی بر ضد ژاپن را بسیار سهل می‌کند.»

و «کیوشو» در سمت جنوبی ژاپن تقریباً به اندازه فاصله جنوب انگلستان با سواحل نورماندی است. در صورت لزوم می‌شد از این شبه‌جزیره به عنوان پایگاه‌های دریایی و هوایی مناسبی برای عملیات بر ضد بندر «ولادی وستک» و منچوری و سایر ایالات شمالی چین استفاده کرد. شبه‌جزیره کره حدود ۸۳۰ کیلومتر درازا و به طور متوسط ۳۱۵ کیلومتر عرض دارد. این کشور از نظر شکل، شبیه ایالت «فلوریدا» در ایالات متحده امریکاست ولی قدری بزرگ‌تر به نظر می‌رسد.

◄ **شبه‌جزیره کره از ۱۹۱۰ تا ۱۹۴۸**

از ۱۹۱۰ دولت ژاپن از کره به عنوان پایگاهی جهت تسلط بر منچوری، شرق چین و جزایر جنوبی چین مشغول برنامه‌ریزی‌های نظامی شد و در ۱۹۳۱ برای تحکیم مبانی قدرت خویش به منچوری حمله برد و از جامعه ملل خارج شد و دولت ژاپن برای تحقق دولت آسیایی نیرومند در هفتم دسامبر ۱۹۴۱ به بندر پرل هاربر در هاوایی حمله برد و ضربه شدیدی به نیروی دریایی امریکا وارد آورد. در جریان جنگ جهانی دوم در دسامبر ۱۹۴۳ نمایندگان ایالات متحده امریکا و چین و انگلستان ضمن اجلاس‌های متعدد شدند پس از پایان جنگ به شبه‌جزیره کره استقلال دهند. در چهارم فوریه ۱۹۴۵ که ماه پیشتر به شکست آلمان و شش ماه به شکست ژاپن منامده بود در جریان کنفرانس یالتا با شرکت چرچیل نخست‌وزیر انگلیس، روزولت رئیس‌جمهور امریکا و استالین رهبر شوروی تصمیم گرفته شد در شمال مدار ۳۸ درجه عرض شمالی در خاک کره نیروهای ژاپنی مستقر در آن منطقه بعد از پایان جنگ و شکست آلمان تسلیم قوای اتحاد شوروی شوند و ضمناً برای تسریع در تسلیم ژاپن در منطقه آسیا- پاسیفیک دولت روسیه شوروی، قرارداد عدم تعرض دوجانبه خویش را با ژاپن زیر پا گذاشته و با ژاپنی‌ها در منطقه شرق آسیا وارد جنگ شود. استالین که می‌خواست جبران شکست روسیه از ژاپن را در ۱۹۰۵ بکند از این پیشنهاد روزولت استقبال کرد ولی از آنجایی که می‌دانست امریکا به تازگی به بمب اتمی دست یافته است، جرات نکرد از خاک اصلی ژاپن منطقه‌ای را بخواهد ولی روزولت در همان کنفرانس دست روس‌ها را در تصرف مجمع‌الجزایر کوریل باز گذاشت. وقتی ژاپن در ۱۵ آگوست ۱۹۴۵ تسلیم امریکا شد، قوای شوروی در شمال مدار ۳۸ درجه عرض شمالی تسلیم روس‌ها شده و در جنوب این مدار نیروهای ژاپنی تسلیم نیروهای امریکایی شدند و عملاً شبه‌جزیره کره از مدار ۳۸ درجه عرض شمالی به دو بخش جنوبی و شمالی تقسیم شد.

پس از پایان جنگ جهانی دوم ژوزف استالین رهبر شوروی تصمیم به روی کار آوردن «کیم ایل سونگ» به عنوان دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست و رهبر سیاسی این کشور گرفت زیرا شوروی‌ها که بعد از اتمام جنگ قیسم امریکا بودند، می‌خواستند منطقه پایانه خط آهن آسیایی شوروی را که به «ولادی وستک» می‌رسید حفظ کنند. از این جهت روس‌ها حکومت دلخواه خود را به عنوان جمهوری «دموکراتیک خلق کره» در هشتم سپتامبر ۱۹۴۸ ایجاد کردند. روس‌ها قصد داشتند با اشراف بر شمال منطقه کره بر نواحی استراتژیک دریای ژاپن مسلط شوند. در ۱۵ آگوست ۱۹۴۸ در بخش جنوبی حکومتی طرفدار غرب به ریاست «سینگ مان ری» تشکیل شد. شبه‌جزیره کره به ویژه بخش جنوبی آن برای ایالات متحده امریکا جنبه حیاتی داشت، زیرا بخشی از مرز استراتژیک امریکا از این منطقه می‌گذرد و می‌توان گفت مرز استراتژیک امریکا از آلaska، ژاپن، اکیناوا، کره، فرمز، جزایر فیلیپین و جزایر ماریان می‌گذشت و در حال حاضر نیز اهمیت دارد. در کتاب «هنر و صنعت جنگ» که در آکادمی نظامی «وست‌پوینت» ایالات متحده تدریس می‌شود، درباره وضعیت استراتژیک شبه‌جزیره کره آمده است: «شبه‌جزیره کره پوشش خوبی برای منچوری ثروتمند و بندر «ولادی وستک» که در انتهای راه‌ان سراسری

شرق

از جنگ ۱۹۴۵ تا گلوله‌باران جزیره یونگ‌پیونگ



در زمان ریاست‌جمهوری «روثا وه» که از فوریه ۱۹۸۸ تا فوریه ۱۹۹۳ رئیس‌جمهور بود همزمان با رهبری کیم ایل سونگ در کره شمالی، در سپتامبر ۱۹۹۱ جرج بوش پدر اعلام کرد سلاح‌های اتمی خویش را از کره جنوبی خارج می‌کند. از این جهت در دسامبر ۱۹۹۱ یک یادداشت تفاهم و همزیستی بین مقامات دو کره شمالی و جنوبی امضا شد و حتی در کابینه کره جنوبی، وزیر وحدت دو کره نیز ایجاد شد. از آنجایی که زمزمه‌های اتمی شدن کره شمالی می‌رفت جیمی کارتر از روسای جمهور سابق امریکا جهت یک سفر حسن‌نیت به پیونگ‌یانگ رفت و با «کیم ایل سونگ» که بیمار بود ملاقات کرد ولی بر اثر بیماری رهبر کره شمالی به نتیجه‌ای نرسید و رهبر کره شمالی در هشت جولای ۱۹۹۴ درگذشت و فرزندش «کیم جونگ ایل» به رهبری کره شمالی رسید. اما تلاش‌های رهبران کره جنوبی همچنان ادامه داشت به طوری که «کیم دای جونگ» رئیس‌جمهور کره جنوبی در اثر تلاش‌های صلح‌جوانه برنده جایزه صلح نوبل سال ۲۰۰۰ شد ولی این تلاش‌ها با زمامداری «کیم جونگ ایل» بر کره شمالی به جایی نرسید.

کره شمالی حتی اعلام کرد دارای موشک‌های دورپروازی است که می‌تواند الaska و حتی کالیفرنیا را هدف قرار دهد. انفجار اولین بمب اتمی کره شمالی در ۱۰ اکتبر ۲۰۰۶ شرق آسیا را دچار وحشت کرد به طوری که ششینو آبه نخست‌وزیر ژاپن جلسه فوق‌العاده‌ای از کابینه خود تشکیل داد. قطعنامه ۱۷۱۸ شورای امنیت که کره شمالی را در تحریم قرار می‌داد و به مقامات کره شمالی پیشنهاد شده بود مقررات «ان‌پی‌تی» را رعایت کنند، باعث شد مقامات یکن به عنوان دوست سنتی و ایدئولوژیک، مقامات پیونگ‌یانگ را تشویق کنند تا در گفت‌وگوهای شش‌جانبه که با شرکت کره شمالی، کره جنوبی، فدراسیون روسیه، چین، ژاپن، امریکا و نظارت سازمان ملل تشکیل می‌شود راه حلی برای مساله اتمی کره پیدا شود و تاکنون پنج دوره مذاکره شش‌جانبه به نتیجه‌ای نرسیده است زیرا اخیراً مقامات مذاکره‌کننده کره شمالی انتخاباتی به نفع جمهوریخواهان بود، به در نوامبر ۱۹۵۲ مردم امریکا رئیس‌جمهور جدید خود را از حزب جمهوریخواه انتخاب کردند و دموکرات‌ها بعد از ۲۰ سال زمامداری شکست خوردند. و ژنرال دویات آیزنهاور رئیس‌جمهور شد و او وعده آتش‌بس را در کره داد. او نیز در ۵۸ سال قبل وعده تنجیر شد که از داد. در اردوگاه شرق در ۵ مارس ۱۹۵۳ مرگ پدر زحمتکشان جهان و دیکتاتور مطلق‌العنان یعنی استالین همه‌چیز را تغییر داد. فوراً خروششف، فردی که طرفدار همزیستی مسالمت‌آمیز بود، به دبیر کلی حزب کمونیست منصوب شد و مالتکف نیز نخست‌وزیر شد.

به طرّف خواهان آتش‌بس در کره بودند. در ۲۵ ژوئیه ۱۹۵۳ مذاکرات شمالی‌ها و جنوبی‌ها با وساطت سازمان ملل به آتش‌بسی منجر شد که از آن زمان تاکنون یعنی ۵۷ سال است که بین دو کره قرارداد ترک مخاصمه و صلح امضا نشده و هر دو طرف در مدار ۳۸ درجه شمالی در جنوب و شمال دهکده «پان- مون- جوم» آماده شلیک به یکدیگرند. از دهه ۱۹۷۰ به بعد در اوج جنگ سرد دو کشور چین و شوروی برای مقابله با امریکا در منطقه آسیا- پاسیفیک، تکنولوژی هسته‌ای را در اختیار پیونگ‌یانگ گذاشتند که بتوانند با کارت کره شمالی در محافل دیپلماتیک به نفع خود بازی کنند.

◄ **نظری به رابطه دو کره تا بحران فعلی**

بعد از «سینگ مان ری» در سنؤل ژنرال «پارک چونگ هی» با کودتای نظامی به ریاست‌جمهوری کره جنوبی رسید و ۱۸ سال رئیس‌جمهور بود. از سپتامبر ۱۹۸۰ تا فوریه ۱۹۸۸ «چون دو هوان» رئیس اطلاعات و امنیت ارتش، رئیس‌جمهور شد.

۱- راهنمای سازمان ملل متحد، منصور فراسیون، انتشارات سازمان ملل، تهران ۱۳۵۵

۲- تاریخ قرن نوزدهم و معاصر، ژول ابراک، ترجمه حسین فرهودی، ابن‌سینا، تهران ۱۳۴۴

۳- تاریخ دول معظم، ماکسیم مورن، ترجمه شمیع انتشارات علمی، تهران ۱۳۳۷

۴- تاریخ جنگ سرد، اندره فوتنن، ترجمه هوشنگ مهدوی، نشر نو، تهران ۱۳۶۶

۵- هنر و صنعت جنگ، سرهنگ محمدعلی پیروزان، تهران ۱۳۳۹